

روسیه، قفقاز و آسیای مرکزی: نفت، خطوط لوله و ژئوپلیتیک

مؤسسه تحقیقات استراتژیک قزاقستان^۱

بعضی از تحلیلگران روسیه تلاش می‌نمایند که واقعیت عینی ایجاد تنوع در روابط اقتصادی کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی و جمهوری آذربایجان که پس از فروپاشی اتحاد شوروی به وجود آمده را نادیده گرفته و افسانه به اصطلاح «حلقه ترکی» که گویا می‌خواهد روسیه را از منابع سرشار و ذخایر انرژی منطقه آسیای مرکزی و ارتباطات و حمل و نقل در سمت جنوب محروم سازد اختراع نموده‌اند. اما در عمل کشورهای قفقاز و آسیای مرکزی نه تنها چنین خیالی ندارند بلکه نمی‌خواهند در جنبه‌های اقتصادی، نظامی، استراتژیک و حتی فرهنگی از روسیه جدا شوند. بلکه خود روسیه می‌خواهد از نظر اقتصادی از کشورهای قفقاز و آسیای مرکزی فاصله گرفته اما حضور نظامی - استراتژیک خود را در این مناطق و مرزهای آن حفظ نماید.

در حال حاضر شواهد زیادی وجود دارد که روسیه برای برقراری و تحکیم نظارت و کنترل نظامی، سیاسی و اقتصادی خود در قفقاز و آسیای مرکزی که بعد از فروپاشی شوروی آنها را از دست داده بود تلاش می‌نماید. پس از آنکه دیپلماسی روسیه ایده خود را برای برقرار نمودن همکاری‌های استراتژیک با ایالات متحده آمریکا و «ناتو» از دست داد و حالت سردی در روابط میان آنها به وجود آمد روسیه اولویت منافع خود را در فضای سابق شوروی مورد توجه قرار داده و تلاش خود را به خارجه نزدیک روانه نمود. علل و عوامل چنین خط‌مشی روسیه را در مناطق قفقاز و آسیای مرکزی می‌توان به شرح زیر مورد بررسی قرار داد.

در روسیه به این نکته پی برده‌اند که روند استقلال‌طلبی در جمهوری‌های قفقاز و آسیای مرکزی و تغییر جهت دادن استراتژی سیاست خارجی اقتصادی و حمل و نقل آنان به طرف جنوب وضع «ابرقدرتی» روسیه را به طور قابل ملاحظه‌ای تضعیف می‌نماید و روسیه از داشتن کنترل ذخایر سرشار طبیعی و سر وهله اول منابع انرژی و فلزات رنگین که اهمیت استراتژیک دارند محروم می‌گردند.

۱. مؤسسه تحقیقات استراتژیک قزاقستان وابسته به نهاد ریاست جمهوری این کشور است.

به دنبال ایجاد خطوط راه آهن سراسری آسیا و طرحهای احداث خطوط لوله نفت و گاز و راههای اتومبیل رو در سمت جنوب، روسیه را خطر واقعی از دست دادن کنترل و انحصار خطوط ارتباطی تهدید می نماید. در نتیجه پیاده شدن این طرحها نقش راه آهن سراسری سیبری و خطوط لوله نفت و گاز از قفقاز و آسیای مرکزی به سمت روسیه کاهش خواهد یافت که منجر به تضعیف نفوذ روسیه در این مناطق خواهد شد.

در شرایطی که اتحادیه کشورهای مشترک المنافع نمی تواند به طور مؤثر فعالیت نماید شرکت جمهوری آذربایجان و کشورهای آسیای مرکزی در سازمان همکاری های اقتصادی (اگو) هر روز گسترش بیشتر پیدا می کند و مشخص تر می گردد.

خلاتی که در قفقاز و آسیای مرکزی به وجود آمده است از جانب کشورهای غربی که متکی بر قدرت کمپانی های نفتی و غیر نفتی خود می باشند پُر می گردد. حضور اقتصادی چین، ترکیه، ایران و سایر کشورهای منطقه گسترش می یابد. از دیدگاه سیاستمداران و تحلیلگران روسیه، کاسه صبر روسیه در رابطه با نفوذ بی حد و حصر کشورهای دیگر در مناطقی که روسیه آنجا را قلمرو منافع حیاتی خود می داند لبریز می گردد.

به منظور جلوگیری از تغییرات نامطلوبی که برای سیاست ژئوپلتیک و ژئواقتصادی در سمت جنوب رخ می دهد روسیه چه اقداماتی اتخاذ نموده و در آینده اتخاذ خواهد نمود؟ اولین اقدام قاطعانه ولی آن طور که معلوم گردیده درست محاسبه نشده روسیه استفاده همه جانبه از نیروهای مسلح در چین به منظور سرنگون ساختن رژیم سرکش دودایف و برقرار نمودن کنترل خود قبل از همه بر صنایع نفت و پالایشگاهها و خطوط لوله باکو - گروزنی که از خاک چین می گذرد محسوب می گردد. باقی ماندن چین در خاک جمهوری روسیه از روی این ملاحظه که این جمهوری به عنوان دروازه ای به سوی قفقاز می تواند باشد از اهمیت استراتژیک برخوردار است.

کشف ذخایر سرشار نفت در آبهای ساحلی دریای خزر به نزاع میان روسیه و سایر کشورهای ساحلی دریای خزر دامن می زند. دریای خزر را مخزن واقعی «طلای سیاه» و گاز طبیعی می دانند. تا امروز تنها ۷٪ ذخایر نفت آبهای ساحلی آن بهره برداری شده است در صورتی که طبق ارزیابی های امروزی این ذخایر ۸۵۰ میلیون تن نفت و ۸،۷۰۰ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی می باشد.

فعلاً تنها جمهوری آذربایجان در محدوده آبهای ساحلی دریای خزر به استخراج نفت

مشغول است و تصمیم دارد با کمک کمپانی‌های نفتی غرب این استخراج را به میزان قابل ملاحظه افزایش دهد. اما وزارت امور خارجه روسیه قرارداد جمهوری آذربایجان را با کنسرسیوم نفتی غرب مبنی بر بهره‌برداری نفت منابع «آذری»، «چراغ» و «گونشلی» که طی ۱۰ سال آتی استخراج ۵۱۰ میلیون تن نفت را پیش‌بینی می‌نماید قبول ندارد. تعجب‌آور این است که نظر وزارت امور خارجه روسیه با موضع وزارت سوخت و انرژی آن کشور متضاد است. وزارت سوخت و انرژی روسیه از این قرارداد با شرکت نفتی «لوک‌اوتل» (روسی) جانبداری کرده است.

وزارت امور خارجه روسیه دریای خزر را به‌عنوان دریا یا آب‌انبار بسته (دریاچه) تعبیر و تعریف نموده در این رابطه معتقد است که معیارهای متعارف حقوق بین‌المللی دریا را نمی‌توان تا جایی که به دریا‌های مرزی، مناطق ویژه اقتصادی و فلات قاره مربوط می‌گردد اطلاق نمود. بنابراین از دیدگاه وزارت امور خارجه روسیه دریای خزر واحدی است که باید به‌طور دسته‌جمعی مورد استفاده قرار گیرد و همه‌گونه فعالیت از جمله مسئله بهره‌برداری ذخایر طبیعی آن با شرکت کلیه کشورهای ساحلی حل و فصل گردد.

اگر زبان دیپلماسی را به زبان ساده ترجمه نمایم این چنین معنی دارد که نفت و سایر منابع محدوده آب‌های دریای خزر باید با شرکت و تحت کنترل روسیه مورد بهره‌برداری قرار گیرد. تأیید این نکته که روسیه، سایر کشورهای ساحلی را به طرف موضع خود متمایل خواهد نمود و برای تحقق آن نه تنها از هنر دیپلماسی بلکه قوه قهریه نیز استفاده خواهد نمود می‌توان از سند موسوم به «موضع فدراسیون روسیه در ارتباط با وضع حقوقی دریای خزر» که به‌عنوان مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارسال گردیده درک کرد. در این سند گفته شده است: اقدامات یکجانبه در ارتباط با دریای خزر غیرقانونی بوده و آن از جانب فدراسیون روسیه که حق اتخاذ اقدامات لازم را برای خود محفوظ می‌دارد پذیرفته نخواهد شد. روسیه آن اقداماتی را که لازم است در زمانی که لازم و مناسب باشد برای برقرار نمودن نظم حقوقی و از میان بردن عواقب آن که در نتیجه اقدامات یکجانبه پیش آمده است به کار خواهد گرفت.

به‌طوری که روزنامه «ایزوستیا» به‌طور طنزآمیز تأکید می‌نماید از احتمال دور نیست که یک زمانی نیروی دریای روسیه در دریای خزر فرمان «حفظ منافع میهن» و خنثی نمودن خطر امنیت آن را دریافت نماید. آن‌طور که معلوم است شیوه‌های بازور حل کردن مشکلات برای روسیه هرچه بیشتر به صورت شیوه‌های معمولی تلقی می‌گردد.

روسیه جنگ اعلام نشده خود را علیه احداث خط لوله نفت از جمهوری آذربایجان از طریق خاک ارمنستان یا ایران به سوی ترمینالهای نفتی ترکیه در جیحان در دریای مدیترانه و خلیج فارس ادامه می‌دهد. اگر این خط لوله یا واریانت دیگر انتقال نفت از جمهوری آذربایجان و قزاقستان احداث گردد و از حاشیه روسیه عبور نماید روسیه از منابع و درآمد قابل ملاحظه و از اهرمهای فشار اقتصادی در این کشورهای نفت خیز محروم می‌گردد. هدف استراتژیک روسیه آن است که جمهوری آذربایجان و قزاقستان را مجبور سازد تا نفت خود را از طریق نوروسیسک انتقال دهند.

رقیب جدی روسیه در این جنگ اعلام نشده ترکیه محسوب می‌شود. ترکیه از تاریخ اول ماه جولای ۱۹۹۴ برای عبور تانکرهای نفتکش از تنگه بسفر محدودیتهایی به وجود آورده است نه تنها وضع اکولوژی استانبول را بهبود بخشیده است بلکه ضربه قابل ملاحظه‌ای به برنامه افزایش حجم انتقال نفت از طریق بندر نفتی نوروسیسک نیز زده و بدین طریق بر شانس خود در کشیدن خط لوله از خاک ترکیه افزوده است. ترکیه رقیب روسیه در انتقال نفت جمهوری آذربایجان و قزاقستان است. در صورتی که اگر خط لوله ساخته شود و بندر جیحان آغاز به کار نماید و پس از قطع تحریم عراق از جانب سازمان ملل متحد بهره‌برداری مجدد خطوط لوله کرکوک - یوموزتالیک برقرار گردد در آن صورت سالیانه به میزان ۱۴ میلیارد تن نفت از خاک ترکیه انتقال خواهد یافت. ترکیه از این راه هر ساله ۵۰۰ میلیون دلار درآمد خالص خواهد داشت و علاوه بر این از وارد نمودن نفت از خارج به مبلغ ۳ میلیارد دلار منصرف خواهد گشت.

روسیه که مایل نیست از لقمه خیلی شیرین درآمدهای حاصل از انتقال نفت منطقه دریای خزر از طریق خاک خود محروم گردد و قبل از همه از نفوذی که هنوز در منطقه استراتژیک قفقاز و آسیای مرکزی دارد (هرچند که این نفوذ مثل سابق نیست) بهار سال ۱۹۹۵ یکجا با بلغارستان و یونان طرح احداث خط لوله «بورگاس - آکساندر و پولیس» را مطرح ساخت. هدف از این طرح عبور از حاشیه بسفر و داردانل به دلیل محدود ساختن تانکرهای بزرگ توسط ترکیه بوده است. طبق این طرح تانکرها نفت را از نوروسیسک تا بندر بورگاس بلغارستان حمل می‌نمایند و از آنجا آن را از طریق لوله به بندر یونانی الکساندروپولس منتقل می‌نمایند. طول این خطوط لوله ۳۰۰ کیلومتر و هزینه آن ۷۰۰ میلیون دلار است. این خط لوله را می‌توان طی سه سال احداث نمود.

طراحان این طرح، روسیه، بلغارستان و یونان معتقدند که هزینه این طرح ده برابر ارزاتر

از طرحی است که از خاک ترکیه می‌خواهند احداث نمایند. دلیل آنها این است که خاک ترکیه برای احداث خطوط لوله مناسب نیست زیرا آن منطقه کوهستانی می‌باشد و نیاز به تجهیزات ویژه گرانبها دارد. ضمناً آنان این اطمینان را نیز می‌دهند که کشورهای اتحادیه اروپا در حال حاضر توافق مقدماتی خود را برای احداث خطوط لوله سراسری بالکان اعلام کرده‌اند و بزرگترین بانکهای اروپایی تعهد نموده‌اند که اگر طرفهای ذی‌نفع در احداث این خطوط لوله به توافق برسند در آن سرمایه‌گذاری خواهند نمود.

دلیل این علاقه‌مندی آن است که طبق نظر اکثر متخصصین، وابستگی کشورهای اتحادیه اروپا از صادرات نفت منطقه آسیای مرکزی طی ۲۵ سال آینده به‌طور قابل ملاحظه‌ای افزایش خواهد یافت. در رابطه با خطوط لوله باکو - جیحان می‌توان بیان کرد که میان جمهوری آذربایجان و ترکیه برای احداث آن در آنکارا قراردادی به‌امضاء رسیده است. طول آن ۱۹۲۰ کیلومتر و ظرفیت آن سالیانه ۵۰ میلیون تن خواهد بود. هزینه احداث آن را ۳ میلیارد دلار پیش‌بینی نموده‌اند. ترکیه اظهار داشته است که هزینه خطوط لوله را در خاک خود سرمایه‌گذاری خواهد کرد.

کدام طرح مرجع است؟ طرح ترکیه یا روسیه؟

خط لوله یونان از خط لوله ترکیه کوتاهتر است. خط لوله یونان از میان کشورهای عبور می‌کند که از ثبات برخوردارند: بلغارستان و یونان، خط لوله ترکیه از طریق ترکیه شرقی عبور می‌کند که در آنجا قیام کرده‌ها برای استقلال ادامه دارد.

از نظر اقتصادی خطوط لوله ترکیه از منطقه صعب‌العبور می‌گذرد و هر کیلومتر آن به مراتب گرانتر از خطوط لوله یونان تمام می‌شود.

اما واریانت یونانی نیز دارای کمبودهایی است. نفت از نوروسیسک تا بورگاس با تانکرها انتقال می‌یابد و قیمت نفت را بالا می‌برد و خطر اکولوژی را در دریای سیاه بیشتر می‌کند. راه باکو تا نوروسیسک از خاک داغستان و چچن جنگ‌زده و در مجموع از قفقاز شمالی بی‌ثبات می‌گذرد.

از طریق خاک ترکیه نه تنها نفت جمهوری آذربایجان بلکه نفت قزاقستان را نیز می‌توان انتقال داد. با استفاده از خط لوله موجود آتراو - آستراخان - گروزنی - باکو، قزاقستان می‌توانست نفت خود را به بندر جیحان و از آنجا به بازارهای جهانی برساند.

واریانت دیگری نیز وجود دارد و از طریق آن می‌توان نفت را از طریق دریای خزر با لوله و یا تانکرها انتقال داد. در حال حاضر، طرح احداث خطوط لوله از زیر دریای خزر از منگستا و قزاقستان تا آپشرون جمهوری آذربایجان آماده گردیده است که خط لوله قزاقستان را به شبکه خطوط لوله باکو می‌پیوندد و از طریق خاک گرجستان تا ترکیه می‌رسد.

در اعلامیه مشترک قزاقستان - ترکیه پیرامون رشد و گسترش همکاری‌ها میان هر دو کشور که نظربایف و دمیرل آن را در ماه ژوئن سال ۱۹۹۵ در آلماتی به امضاء رساندند تأیید گردیده است که طرفین همکاری‌های خود را به منظور مطالعه فنی و مالی و سایر جنبه‌های پیاده نمودن انتقال خطوط لوله تا دریای مدیترانه از طریق خاک ترکیه مطالعه خواهند نمود. به منظور پیاده نمودن طرح ترکیه ایجاد کنسرسیوم پیش‌بینی شده است که روسیه نیز می‌تواند در احداث آن شرکت نماید. نظربایف تأکید نموده که این مسیر کوتاهترین مسیر جهت رسانیدن نفت قزاقستان به بازارهای جهانی می‌باشد.

ترکیه که به قزاقستان پیشنهاد کرده است که نفت آن را از طریق خاک خود انتقال دهد این امر را چنین توجیه می‌نماید که آن ارزان تمام می‌شود و بدیهی است مقرون به سود می‌باشد. طبق برآوردی که کمپانی ملی نفت ترکیه انجام داده است انتقال یک تن نفت از منابع قزاقستان تا «ژنو» برای مصرف‌کننده بیش از ۶ دلار تمام می‌شود در صورتی که از طریق ترکیه کمی بیشتر از ۳ دلار خواهد بود. یعنی سود و زیان از صادرات احتمالی به عنوان مثال برای ۴۰ میلیون تن نفت قزاقستان در حدود ۱۲۰ میلیون دلار خواهد بود.

برای رسانیدن نفت قزاقستان به بازارهای جهانی باید منابع نفتی قزاقستان به سیستم خطوط انتقال نفت جمهوری آذربایجان پیوندد. کوتاهترین مسیر به دریای مدیترانه از طریق خاک جمهوری آذربایجان، ارمنستان و ترکیه شرقی می‌باشد. اما رویارویی جمهوری آذربایجان و ارمنستان بخاطر قره‌باغ استفاده از این مسیر را به این زودی‌ها امکان‌ناپذیر ساخته است. واریانت از خاک گرجستان نیز وجود دارد اما به علت وضع داخلی در این کشور این واریانت نیز بلا تکلیف باقی مانده است.

علی‌رغم همه این احوال در نیمه اول سال ۱۹۹۵ کنسرسیوم نفتی دریای خزر گفتگو و مذاکراتی را با گرجستان و ترکیه پیرامون احتمال انتقال خط لوله نفت از خاک این کشورها انجام دادند. احتمال می‌رود که علت فعال گردیدن روند مذاکرات به دلیل عدم اعتماد غرب در ارتباط با امنیت کامل خطوط لوله از طریق قفقاز شمالی که شبکه خطوط لوله اتحاد شوروی سابق از آنجا

عبور می‌کند بستگی داشته باشد. جای تعجب است که در ماه جولای رهبران ترکیه و جمهوری آذربایجان اعلام نموده بودند که خطوط لوله نفتی تنها از خاک ترکیه عبور خواهد کرد و هیچ‌گونه واریانت دیگری وجود ندارد.

اخیراً نوعی نزدیکی در مواضع جمهوری آذربایجان، گرجستان و ترکیه در مورد احداث خطوط لوله نفت صادراتی دریای خزر مشاهده می‌شود. طبق پیشنهاد آنها نفت دریای خزر از طریق خاک گرجستان به بنادر «باتومی» و «پوتی» در دریای سیاه انتقال داده خواهد شد و بعداً از طریق تانکرها به ساحل ترکیه و از طریق خطوط سراسری ترکیه که باید خطوط لوله احداث نماید، به بنادر مدیترانه انتقال خواهد یافت. این پیشنهاد شانس زیاد دارد بدین دلیل که ایالات متحده مخالف عبور خطوط لوله از طریق ایران است و ترکیه مخالف عبور تانکرها از داردانل و سفر و جمهوری آذربایجان مخالف انتقال نفت از نوروسیسک می‌باشند. اما ترکیه هم در مورد تأمین خطوط لوله از خاک خود مشکلاتی خواهد داشت. چریکهای کرد در مسیر خطوط لوله امکان دارد عملیات خرابکاری انجام دهند. عملیات «شفق» که ترکیه در بهار سال ۱۹۹۵ در شمال عراق با استفاده از تانک و هواپیما بر علیه کردها انجام داد هدفش به معرض نمایش گذاشتن توان آن کشور در کنترل از امنیت خطوط لوله بود.

احداث خطوط لوله نفت و گاز برای صدها کیلومتر نیاز به سرمایه‌گذاری عظیم دارد و سرمایه‌گذاران غربی تنها در صورتی این خطوط لوله را سرمایه‌گذاری خواهند نمود که کشورهایی که در مسیر آن قرار دارند از ثبات کامل برخوردار باشند.

تحلیل نقش روسیه در رویارویی‌ها در کشورهای قفقاز نشان می‌دهد که یکی از عوامل اصلی سیاست روسیه در این مناطق عبارت است از مانع شدن از سرمایه‌گذاری‌های خارجی و قبل از همه سرمایه‌گذاری در صنایع نفت و گاز و احداث خطوط لوله نفت و گاز در جهت جنوب می‌باشد. نتایج تحقیق گروه کارشناسان مستقل انستیتوی مسائل اجتماعی تاریخی وابسته به دانشگاه دولتی مسکو و صندوق «فروس» این نکته را تأیید می‌نماید: کشورهای غربی توسط کمپانی‌های خود می‌توانند به این مناطق نفتی که تازه درهای خود را به روی غرب باز نموده است، تأثیر گذارند. آنان به جمهوری آذربایجان و آسیای مرکزی راه یافته و می‌خواهند از آنجا به دریای مدیترانه «روزنه‌ای» باز نمایند. تنها عدم ثبات اجتماعی، اقتصادی و یا سیاسی احتمالی در مناطق مذکور می‌تواند از این روند جلوگیری نماید. زیرا بعید به نظر می‌رسد که سرمایه‌گذاران خارجی در مناطق ناامن سرمایه‌گذاری نمایند.

واضح است که در صورت وجود وضعی باثبات در قفقاز هیچ‌گونه مانعی برای احداث خطوط لوله از جمهوری آذربایجان و از طریق دامنه کوه‌های قفقاز وجود نداشت. اما در شرایط فعلی با وجود بحران در چین و رویارویی میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان و گرجستان و آبخاز مانعی جهت اتخاذ تصمیم اساسی در این رابطه شده است.

ادامه رویارویی میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان به‌طور عینی به روسیه کمک می‌رساند که از احداث خط لوله از جمهوری آذربایجان و از طریق خاک ارمنستان تا بندر ترکی «جیحان» در مدیترانه جلوگیری نماید. زیرا یک قسمت از خطوط لوله آینده که ۳۰ کیلومتر آن به اصطلاح به نام «دهلیز مگرین» از خاک ارمنستان عبور می‌کند، در منطقه جنگی قرار دارد.

بی‌جهت نیست پس از آنکه حیدرعلی‌اف به مقام رئیس جمهوری آذربایجان رسید مسئله احداث خط لوله از طریق خاک ترکیه را مطرح نمود و سازمان زیرزمینی و تروریستی «آسالا»^۱ اعلام نمود که مانع از احداث آن خواهد گردید. همچنین در مناطق کردنشین شرقی ترکیه در مسیر عبور خطوط لوله چریک‌های کُرد به فعالیت خود افزودند.

انتخاب مسیر خط لوله جمهوری آذربایجان از خاک ترکیه می‌تواند موجب افزایش یا قطع جنگ در قره‌باغ گردد. در این انتخاب نه تنها رقابت میان ترکیه و روسیه بلکه رقابت بین ایران و ترکیه نیز در حال شکل‌گیری می‌باشد.

در تصمیم قطعی و نهایی پیرامون انتخاب مسیرهای لوله، ایالات متحده آمریکا نقش قابل‌ملاحظه‌تری بازی می‌نماید. اهداف اساسی آمریکا در مسئله انتقال نفت از جمهوری آذربایجان و قزاقستان عبارت است از حمایت از کمپانی‌های نفتی است که در این کشورها سرمایه‌گذاری نموده‌اند. با در نظر گرفتن این مطلب ایالات متحده آمریکا به‌طور رسمی طرح احداث خط لوله از طریق خاک ترکیه را برای انتقال نفت دریای خزر پذیرفت و کشورهای این منطقه را آگاه نمود. یکی دیگر از دلایلی که ایالات متحده این طرح را پذیرفته است مناسبت آنها با ایران و توافق حاصله میان ایران و ترکمنستان پیرامون احداث خطوط لوله بین این دو کشور بود.

کریستین شلی عضو وزارت امور خارجه آمریکا در رابطه با سیاست این کشور در قبال ایران اظهار داشته است:

سیاست ما عبارت از آن است طرح‌هایی را که از نظر سیاسی یا مالی به سود ایران باشد بلوکه نماییم. ما علاقه‌مند هستیم که به ایران فشار آورده شود تا رفتار خود را که در

حال حاضر قابل قبول نیست تغییر دهد. ایران از تروریست‌هایی که می‌خواهند روند صلح‌آمیز خاور نزدیک را به هم بزنند حمایت می‌نماید و برای دریافت اسلحه کشتار جمعی تلاش می‌نماید و برای لطمه زدن به حکومت‌های منطقه اقدام می‌نماید.^۱

بدین طریق جمهوری آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان نفت سرشار دارند اما سرازیر شدن دلارهای نفتی تنها زمانی ممکن است که نفت آنان به بازارهای جهانی انتقال یابد. بررسی گزینه‌های مختلف مسیرهای آینده خطوط لوله از این کشورها نشان می‌دهد که انتخاب آنها به عوامل زیر بستگی دارد:

- سرمایه‌گذاری

- امنیت مسیر

- منافع ژئوپلیتیک کشورها

از این رهگذر مسئله انتقال نفت سواحل دریای خزر را می‌توان یک مسئله مشکل‌تلقی نمود. از نظر جغرافیایی و فنی احداث خط لوله به منظور انتقال نفت به دریاهای سیاه و مدیترانه و خلیج فارس کاملاً امکان‌پذیر است. اما رقابت و اختلافات منافع ژئوپلیتیک کشورها و رویارویی‌ها در مناطق گوناگون، احداث خطوط لوله را مشکل می‌سازد. رقابت بین روسیه و ترکیه، ایران و ترکیه، سیاست خصمانه آمریکا در قبال ایران، تلاش روسیه برای حفظ کنترل سیاست ژئوپلیتیکی خود در قفقاز و آسیای مرکزی، رویارویی میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان، مناقشات داخلی گرجستان، نهضت کردها در ترکیه عواملی هستند که برای پیاده نمودن این طرحها مانعی ایجاد نموده‌اند. علی‌رغم غوطه‌ور شدن در رویارویی‌های قفقاز شمالی و قفقاز، روسیه به تحریک فعالیتهای سیاسی خارجی خود در قبال آسیای مرکزی می‌افزاید. آسیای مرکزی برای روسیه منطقه‌ای است که برای تأمین اقتصاد روسیه از «مواد خام» حیاتی محسوب می‌گردد.

اگر از اقلام کالاهایی که از قفقاز به روسیه می‌رود نام ببریم می‌توان از منگنز و مس گرجستان و بعضی چیزهای دیگر نام برد. اما فهرست اقلام کالاهایی که روسیه از آسیای مرکزی دریافت می‌نماید به مراتب بیشتر است.

بعید به نظر می‌رسد که صنایع ذوب آهن روسیه بدون معدن آهن، روی، منگنز و کرم قزاقستان بتواند فعالیت نماید. در زمان شوروی سابق قزاقستان تولیدکننده اساسی مس، سرب،

۱. اینها مطالبی است که هیچ وقت دلیلی برای اثبات آنها وجود نداشته است.

روی بود که مصرف‌کننده آن اساساً روسیه بود. در رابطه با فلزات رنگین و نادر نیز همین امر صادق است.

در زمان شوروی، قرقیزستان تولیدکننده اصلی سرمه، ترکمنستان تولیدکننده مواد معدنی و ازبکستان تولیدکننده پنبه و طلا بودند.

معدن اورانیوم که مواد اصلی برای تولید سلاح هسته‌ای محسوب می‌شود در جماهیر آسیای مرکزی به مقدار زیاد استخراج می‌شود که در میان آنها قزاقستان در مقام اول بود.

با درک اهمیت این انواع مواد نگرانی اساسی روسیه در زمینه ذخایر عظیم انرژی در آسیای مرکزی و بخصوص ذخایر نفت و گاز قزاقستان و ترکمنستان می‌باشد.

قراردادهای قزاقستان با شرکتهای نفت - گاز غرب (شورون) و قراردادهای مشابه ترکمنستان و تلاش آنها در جهت پیدا نمودن آلترناتیو خطوط لوله نفت و گاز روسیه برای انتقال نفت و گاز در مسیر جنوب ناگزیر منجر به عواقب جدی ژئواقتصادی و ژئواستراتژیک می‌گردد. در میان این عواقب که خیلی مهم است وابستگی اقتصادی، انرژی و مسائل حمل و نقل کشورهای آسیای مرکزی با روسیه یا سست می‌گردد و یا کاملاً قطع خواهد شد. در برابر روسیه در ارتباط با قزاقستان و ترکمنستان و صادرات نفت و گاز آنها به بازار جهانی رقبای جدیدی پیدا خواهند شد. نقش و نفوذ ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، فرانسه و سایر کشورها و کمپانی‌های نفتی و گاز که سرمایه‌گذاران اصلی در منطقه خواهند بود و همچنین ترکیه و ایران که خطوط لوله از خاک آنها عبور خواهد کرد به‌طور قابل ملاحظه افزایش می‌یابد.

در صورتی که اگر نفت از قزاقستان غربی و در آینده از منطقه ساحلی نه از طریق نوروسیسک بلکه از طریق خاک ترکیه به مدیترانه و از آنجا به تمام جهان و گاز ترکمنستان از طریق خاک ایران و ترکیه به غرب انتقال یابد، کاهش نفوذ روسیه در آسیای مرکزی ناگزیر و حتمی خواهد بود.

ثروت نفتی قزاقستان فراوان است. ذخایر و منابع نفت کشف شده به میزان ۲/۶ میلیارد تن ارزیابی گردیده است.

اگر مقدار نفت تولیدشده در سال ۱۹۹۳، ۲۳ میلیون تن باشد این میزان در سال ۲۰۰۰ به ۴۵ میلیون تن و در سال ۲۰۱۰ به ۷۰ میلیون تن خواهد رسید. پیاده نمودن این نقشه‌ها باید سیل دلارهای نفتی را به جمهوری سرازیر نماید.

اما در این راه مشکلات موجود است و اینکه قزاقستان خطوط لوله صادراتی مربوط به

خود را ندارد و روسیه برای انتقال نفت آن سهمیه و رژیم سخت تعیین کرده است. در قزاقستان شبکه خطوط لوله داخلی نیز رشد نیافته است.

در سال ۱۹۹۳ کنسرسیوم خطوط لوله دریای خزر ایجاد گردید که قزاقستان، روسیه و کشور عمان شامل آن بودند. کشور ثالث سلطنت عمان نبود بلکه «عمان اوایل کمپانی» بود که در جزایر «برمودا» به ثبت رسیده است. این کمپانی به طور رسمی عمان نامیده می شود و روزنامه ها نیز همین طور می نویسند.

هدف این کمپانی احداث خط لوله نفت از قزاقستان غربی تا نوروسیسک و از آنجا انتقال نفت به بازارهای جهانی می باشد. طول این خط لوله از قزاقستان غربی تا نوروسیسک ۱۶۰۰ کیلومتر و ظرفیت سالیانه آن ۵۶ میلیون تن نفت می باشد.

خط لوله صادراتی «تنگیز - نوروسیسک» باید طی سالهای ۱۹۹۶ - ۱۹۹۸ احداث گردد و صادرات نفت قزاقستان و شرکت مشترک «تنگیز شوراویل» را تأمین نماید. طرح احداث این خط لوله شامل دو مرحله می باشد. مرحله اول باید در سال ۱۹۹۶ و مرحله دوم در سال ۱۹۹۸ احداث گردد. اما احداث آن به کندی انجام می گیرد. فعلاً تنها یک قطعه آن از «تیخوریتسک» تا «کروپوتکین» (۲۵۰ کیلومتر) احداث گردیده است. باید خط لوله از «تنگیز» تا دریای سیاه به طول ۱۵۰۰ کیلومتر ایجاد گردد.

هزینه احداث این خط لوله بر عهده عمان است که ۵۰٪ سهم کنسرسیوم به آن تعلق دارد. سهم روسیه و قزاقستان زمین آنهاست که خطوط لوله از سطح آن عبور می کند و همچنین قطعه موجود خطوط لوله می باشد که قبلاً ایجاد شده است. کمپانی آمریکایی «شورون» علاقه مند است ۲۵٪ سهم داشته باشد اما کنسرسیوم خطوط لوله دریای خزر این پیشنهاد «شورون» را نپذیرفته است و حالا روشن نیست که آیا شرکت کننده ثالث امکان پیدا کردن هزینه لازم را دارد یا خیر؟

احداث این خطوط لوله به نفع روسیه و قزاقستان خواهد بود اما برای پیاده نمودن این طرح نه تنها مسائل مالی بلکه بعضی مسائل دیگر نیز مانع ایجاد کرده است. مثلاً انتقال نفت از طریق دریای سیاه به بن بست رسیده است زیرا ترکیه طبق ملاحظات اکولوژی شهر استانبول از تاریخ اول جولای سال ۱۹۹۴ تصمیم گرفته است عبور تانکرهای بزرگ را از تنگه های بسفر و داردانل محدود نماید. این اقدام نقش دریای سیاه را برای انتقال نفت کاهش خواهد داد.

در آینده نفت قزاقستان اساساً از طریق خاک روسیه به نوروسیسک صادر خواهد شد اما

در نتیجه افزایش مقدار نفت صادراتی قزاقستان امکانات صدور آن از طریق خطوط لوله روسیه کاهش خواهد یافت و این حالت نه تنها با ظرفیت خطوط لوله بلکه به عامل رقابت نیز بستگی خواهد داشت.

صادرات نفت و گاز برای روسیه منبع اساسی درآمد ارز خارجی می باشد و اقتصاد آن کشور بر درآمد از نفت و گاز پایدار است و بدیهی است که روسیه به رقیبان خود اجازه نخواهد داد که به زیان آن کشور به بازارهای جهانی دست یابند. با در نظر گرفتن این وضع قزاقستان مجبور خواهد شد که راههای آلترناتیو انتقال نفت خود را جستجو نماید.

همجوار بودن قزاقستان با روسیه امکان می دهد که نفت قزاقستان چه از طریق دریای خزر و چه از طریق ایران صادر گردد. با در نظر گرفتن عوامل اقتصادی واریانت صادر نمودن نفت از طریق ایران از همه ارزاتر است. در حال حاضر پروتکل ایران - قزاقستان که احداث خطوط لوله ای که منبع «تنگیز» را به بندر «آکتاو» در دریای خزر می پیوندد وجود دارد. برای صدور نفت از طریق بندر انزلی به پالایشگاههای تهران، تبریز، اراک و اصفهان نیاز به احداث فقط ۱۰۰ کیلومتر خطوط لوله می باشد.

باز یک مسیر واقعی خط لوله نفت صادراتی وجود دارد و آن از طریق خاک ترکمنستان و ایران می باشد. ترکمنستان تصمیم دارد تا سال ۲۰۰۲ تولید گاز را به ۱۲۰ میلیارد مترمکعب و تولید نفت را به ۲۸ میلیون تن برساند. لذا ترکمنستان نیز برای احداث خطوط لوله گاز و نفت بویژه به سمت جنوب ذی نفع می باشد. طبق نظریه رشد صنایع نفت و گاز ترکمنستان بجز سه خط لوله، احداث خطوط لوله در مسیر ترکمنستان - خلیج فارس پیش بینی شده است. این خطوط لوله امکان می دهد که سالانه تا ۱۴ میلیون تن نفت خام صادر گردد که برای ایران درآمد قابل ملاحظه ای دربر خواهد داشت. به منظور دستیابی به بازارهای جهانی ترکمنستان کنسرسیوم مربوط به احداث خط لوله نفت و گاز را ایجاد نموده است.

در حال حاضر ترکمنستان و ایران قراردادی مبنی بر احداث خط لوله سراسری از طریق خاک ایران و ترکیه امضا کرده اند و در جستجوی سرمایه گذار می باشند که هزینه آن را تأمین نماید. انتقال نفت به ایران از طریق خاک ترکمنستان قابل قبول تر است زیرا این مسیر کوتاهتر از مسیر قفقاز است. انتقال نفت از طریق دریای خزر نیاز به ناوگان کشتی های مخصوص دارد و مقرون به صرفه نیست. از طرف دیگر سیستم ظریف اکولوژی دریای خزر با خطر مواجه می باشد.

احداث شبکه خطوط لوله داخلی برای قزاقستان باید در اولویت قرار گیرد. موجود نبودن خطوط داخلی برای افزایش استخراج نفت قزاقستان مانع ایجاد می‌نماید و وابستگی قزاقستان به روسیه را در مورد صدور نفت طولانی‌تر می‌سازد. در حال حاضر به دلایل مختلف نفت روسیه با تأخیر بسیار به قسمتهای مرکزی و جنوبی قزاقستان که پالایشگاههای آن در پاولودار و چیمکنت قرار دارد می‌رسد. ضمناً قزاقستان نه تنها در قسمتهای غربی بلکه در قسمت جنوبی خود نیز منابع سرشار نفت دارد. برای مثال طبق ارزیابی‌های صورت پذیرفته در استان قزل اوردا ذخایر نفت به ۳۰۰-۲۵۰ میلیون تن و ذخایر گاز ۱۰۰ میلیارد مترمکعب می‌باشد. منبع «کومکول» که در استان جزکازگان قرار دارد ذخایر نفت آن به ۸۹/۴ میلیون تن و گاز به ۸/۷۵ میلیارد مترمکعب می‌باشد.

احداث خط لوله قزاقستان غربی - کومکول که تصمیم به احداث آن چندی قبل اتخاذ گردیده است امکان می‌دهد نفت قزاقستان به مقدار زیاد به این کارخانه‌ها آورده شود. به منظور رشد شبکه خطوط لوله نفت و گاز داخلی میان شرکت دولتی موناغاز و اینترنشنال پایپ‌لاین (از عربستان سعودی) در تاریخ ۱۲ ژوئن سال ۱۹۹۵ یادداشت تفاهم به امضا رسید.

طبق این یادداشت تفاهم این شرکت عربستان سعودی خطوط لوله نفت قزاقستان غربی، کومکول، پاولودار، چیمکنت و خط لوله گاز آکسای (کاراچاگاناک) کراسنی - اکتبر را باید احداث نماید و آن به خط لوله گاز بخارا - ارال اتصال یابد. پیش‌بینی شده است که در آینده خط لوله پاولودار - سمپیالاتینسک - اوست کامنوگورسک و آق‌ملاکاراگاندا - چیمکنت - آلماتی احداث گردد. پیاده نمودن این طرحها امکان می‌دهد که قزاقستان نیازهای نفتی خود را از حساب ذخایر خود تأمین نماید و بدین طریق از وابستگی انرژی نجات پیدا نماید.

احداث شبکه‌های خطوط لوله نفت و گاز در داخل کشور امکان می‌دهد که مقدار زیادی نفت قزاقستان غربی به مناطق جنوب و شرق کشور آورده شود و زمینه مساعد برای پیاده نمودن ایده صدور نفت و گاز به ژاپن و کره جنوبی از طریق خاک چین به وجود آورد. بدیهی است که سخن از طرح قرن ۲۱ است اما این طرح هنگام سفرهای رسمی نظربایف رئیس‌جمهور در چین، کره جنوبی و ژاپن مورد بررسی قرار گرفته بود و در حال حاضر در سطح کارشناسان در دست بررسی است.

پیاده نمودن طرح احداث خط لوله نفت گاز «آسیای مرکزی - شرق دور... به طور جدی

جهت حرکت انرژی را در سطح جهانی تغییر می‌دهد و طبیعی است که چارچوب روابط اقتصادی بین‌المللی با کلیه عواقب ژئوپلیتیک آن را دربر خواهد داشت.

قابل تذکر است که روسیه توسط اقدامات خود از قبیل محدود ساختن حجم نفت صادراتی قزاقستان به نوروسیسک و نفت «تیومن» به پالایشگاه نفت «پاولودار» قزاقستان را برای پیاده کردن خط لوله آلترناتیو مجبور ساخته است. تلاش ترکمنستان برای زودتر احداث نمودن خط لوله گاز به سمت ایران بخاطر این است که کشورهای مشترک‌المنافع برای گاز ترکمنستان ۶۰٪ قیمت جهانی آن را می‌پردازد و یا در پرداخت تأخیر می‌کنند به نحوی که اوکراین و سایر کشورها به همین ترتیب عمل نموده‌اند.

پس از آنکه روسیه در صدور گاز خود به اروپای غربی تأخیر نمود کشورهای غربی بر علاقه‌مندی خود برای انتقال گاز ترکمنستان از طریق خاک ایران، ترکیه و یونان افزوده‌اند. با در نظر گرفتن رقابت روزافزون در برابر گاز روسیه به مناسبت وارد گردیدن گاز نروژ و انگلیس در بازارهای اروپا و روبه وخامت گذاشتن صنایع گاز در روسیه کشورهای اروپای غربی از این نگرانند که روسیه را از این به بعد نمی‌توان به‌عنوان یک صادرکننده با اعتماد گاز تلقی نمود.

بعضی از تحلیلگران روسیه تلاش می‌نمایند که واقعیت عینی ایجاد تنوع در روابط اقتصادی کشورهای تازه‌استقلال یافته آسیای مرکزی و جمهوری آذربایجان که پس از فروپاشی اتحاد شوروی به وجود آمده را نادیده گرفته و افسانه «حلقه ترکی» را که گویا می‌خواهد روسیه را از منابع سرشار و ذخایر انرژی منطقه آسیای مرکزی و ارتباطات و حمل و نقل در سمت جنوب محروم سازد اختراع نموده‌اند. اما در عمل کشورهای قفقاز و آسیای مرکزی نه تنها چنین خیالی ندارند بلکه نمی‌خواهند در جنبه‌های اقتصادی، نظامی، استراتژیک و حتی فرهنگی از روسیه جدا شوند. تجربه دوران پس از فروپاشی شوروی سابق این ادعا را تأیید می‌نماید. برعکس خود روسیه می‌خواهد از نظر اقتصادی از کشورهای قفقاز و آسیای مرکزی فاصله گرفته اما حضور نظامی - استراتژیک خود را در این مناطق و مرزهای آن حفظ نماید.

حتی در رابطه با تاجیکستان که مرزهای آن با افغانستان مرزهای روسیه محسوب می‌گردد و رهبران آن کلیه دستورهای مسکو را بدون چون و چرا اجرا می‌نمایند برای روسیه هر روز اعطای اعتبارهای جدید به این کشور آسیای مرکزی و نگاه داشتن آن بر سر حاکمیت دشوارتر می‌گردد. در وزارت امور کشورهای مشترک‌المنافع هیأت تاجیکستان اظهار داشت که:

روسیه از این به بعد نمی‌تواند توسط پوله‌های خود اقتصاد تاجیکستان را روی پا نگاه دارد و این کشور مجبور است پول ملی خود را به وجود آورد و تاجیکستان در ماه مه سال ۱۹۹۵ پول ملی خود را منتشر نمود.

واضح است که امکان ندارد که در یک زمان دو هدف متضاد را دنبال نمود. فاصله گرفتن از اقتصاد کشورهای قفقاز و آسیای مرکزی و آنان را «باری بر دوش روسیه» تلقی کردن و تأمین نمودن حضور نظامی - استراتژیک خود در منطقه و از طرف دیگر وابسته نمودن اقتصاد قفقاز و آسیای مرکزی به نفع روسیه بدون در نظر گرفتن منافع آنان. اگر به تعبیر دیگر بیان کنیم منجمد ساختن آنها به عنوان «منبع مواد خام» هدفی است که اصلاً قابل اجرا نمی‌باشد.

روسیه به منظور حفظ نفوذ باقی مانده خود در قفقاز و آسیای مرکزی منبهد هم به طور همه‌جانبه از کلیه اهرمهای اقتصادی، سیاسی و نظامی خود استفاده خواهد کرد.

روسیه برای تأمین دستیابی خود به ذخایر انرژی این مناطق و راههای انتقال آن اهمیت ویژه قائل است. بدین منظور روسیه تلاش خواهد کرد که حق خود را برای شرکت در بهره‌برداری منابع جدید نفت و گاز و حق انحصاری در انتقال نفت و گاز از طریق خاک خویش گسترش دهد. شریک شدن در سهام به عنوان مالکیت روسیه، دریافت نمودن منابع و متعلقات آن (خطوط لوله، بنادر دریایی، ترمینالها، مخازن، پایگاهها و غیره) شاهبیت اساسی سیاست اقتصادی روسیه در ارتباط با کشورهای قفقاز و آسیای مرکزی محسوب می‌گردند.

در رابطه با مسائل نظامی - استراتژیک، روسیه برای حفظ و حضور نظامی خود در کشورهای این مناطق به بهانه نیروهای حافظ صلح در مناطق متشنج شبیه گرجستان، ارمنستان و تاجیکستان و یا ایجاد پایگاههای نظامی (گرجستان، ارمنستان) تلاش خواهد کرد. اگر این نیروها یا پایگاهها در نزدیکی مسیر خطوط لوله بین‌المللی گاز و نفت مستقر می‌گردند مسئله‌ای اتفاقی نخواهد بود.

اینک روشن است که روسیه نیروهای نظامی خود را در مرزهای جنوبی خود تقویت خواهد نمود و برای نیل به این هدف به طور یکجانبه محدودیتهای مرزی - کناری خود که بر طبق قرارداد نیروهای مسلح متعارف در اروپا تعیین شده است را مورد تجدیدنظر قرار خواهد داد. روسیه این اقدام را به بهانه تأمین امنیت خود در منطقه بدون ثبات جنوب یعنی چچن، قفقاز شمالی و قفقاز اتخاذ نموده است. روسیه، قفقاز، آسیای مرکزی و همچنین کشورهای همجوار مانند ترکیه و ایران کشورهایی هستند که منافع و رقابت ژئوپلیتیک و اقتصادی آنها با هم ارتباط نزدیک دارند.

ایجاد ائتلاف کشورهایی که در مقابل یکدیگر قرار خواهند گرفت از قبیل روسیه، گرجستان، ارمنستان، ایران از یک طرف و جمهوری آذربایجان، ترکیه و بعضی از کشورهای آسیای مرکزی از طرف دیگر خطرناکترین برخورد منطقه‌ای و بین‌المللی می‌باشد. در رابطه با تفاوت یا تشابه منافع در مراحل گوناگون، ائتلافها می‌توانند تغییر نمایند؛ زیرا در روابط بین‌المللی به قول معروف دوستان و دشمنان دائمی وجود ندارد بلکه آنچه وجود دارد منافع است.

راه منحصر به فرد خودداری از تناقضهای کاملاً بدیهی منافع متضاد، عبارت است از پیروی از سیاستهای به اعتدال درآوردن منافع متناقض و پیدا نمودن راهی برای توازن منافع می‌باشد. نمونه‌های مثبت چنین سیاستی اینک وجود دارد. به عنوان مثال می‌توان از مشارکت روسیه و جمهوری آذربایجان در بهره‌برداری از نفت دریای خزر (کمپانی «لوک‌اوایل» روسیه) و قرارداد «گاز پروم» روسیه در بهره‌برداری منبع گاز کارشی کاناگ نام برد.

در تاریخ ۱۷ اوت سال ۱۹۹۵ در آلماتی قراردادی روسیه و قزاقستان میان شرکتهای کومکول - لوک‌اوایل به امضا رسیده است. این قرارداد نه تنها بهره‌برداری از بزرگترین منبع نفتی کومکول بلکه نوسازی پالایشگاه نفت چیمکنت را نیز پیش‌بینی می‌نماید. کمپانی روسی «لوک‌اوایل» علاقه‌مندی خود را برای بهره‌برداری مشترک منابع نفتی قزاقستان غربی و نفت منطقه ساحلی دریای خزر روسیه اعلام داشته است.

کشورهای قفقاز و آسیای مرکزی باید در حال حاضر و در آینده ذخایر خود را مشترکاً با روسیه بهره‌برداری نمایند اما این بهره‌برداری باید بر پایه عقل و خرد و سود متقابل و با در نظر گرفتن حفظ حق و منافع اقتصادی خود آنان برای متنوع نمودن روابط اقتصاد خارجی و به منظور تأمین امنیت اقتصادی، انرژی و اکولوژی این کشورها باشد.